

قفسه

مجموعه مش‌رمضون و چند کتاب دیگر

● «مجموعه مش‌رمضون»، مجموعه‌کتاب‌هایی است ده‌جلدی نوشته محمد علیزاده‌ثانی. «زیارت ننه»، «تاریخ بدشگون»، «قدرت و قِادر»، «راز قبرستون

قدیمی»، و «سیاه سارزن»، از جمله کتاب‌هایی است که در این مجموعه منتشر شده است. قصه‌های این مجموعه حال‌وهوایی طنزآمیز دارند و به نثر شگسته‌نوشته شده‌اند. شیطنت‌های نوجوانانه و ماجراهایی که از خلال این شیطنت‌ها شکل می‌گیرد از جمله مضامین این کتاب‌هاست. آن‌چه در پی می‌آید قسمتی است از کتاب «تاریخ بدشگون» از این مجموعه: «امتحان‌ها خیلی زودتر از اینکه فکرش رو بکنیم شروع شد. بیشترین وقتی که برای درس‌خوندن می‌ذاشتیم تو قبرستون بود، اونم به اجبار که

همه وضعیت موجود رو درک کنن و به آقای مدیر نشون بدن ما هم می‌تونیم حرفی برای گفتن داشته باشیم؛ بماند که بیشتر وقت‌ها شیطنت و از سر و کول هم بالارفتن و به هر بهانه‌ای درس‌نخوندن چیزی طبیعی و غیرقابل انکار بود. بعضی‌وقت‌ها اکبر با لب‌ولوجه آپوزیون می‌اومد پیش ما که باباش به خاطر ناخن‌کردن به دیک کله‌پاچه بدجوری حالش‌رو گرفته و بعد از کتک مفصلی که نوش جان کرده از دکون پرت شده بیرون و باباش خوتونشون کشیده که دیکه جات اینجا نیست! البته ما می‌دونستیم

که این دفعه اول و آخرش نیست؛ برای همه‌مون عادی بود چون هفته‌ای دو یا سه‌بار شاهد این شکم‌بارگی‌های اکبر بودیم، خوب دیکه اکبر بود و یه سر‌نگرده بدون مغز شاید هم مغزی قد به نخود! تو قبرستون بیشترین مشکل ما با مورچه‌ها بود؛ تو این زمینه خبره شده بودیم، همیشه بررسی دقیق می‌کردیم که تو مسیر مورچه‌ها نشینیم چون اگه خوابومن می‌برد با اون پاهای بلندشون همه‌جای بدنمون‌رو طی می‌کردن و با کارهای کوچولووی ریزی مهمونشون می‌شدیم...». «آشاشگاه معتنان ابدی»، «جنی‌های شاید خوش‌شانس» و «ماموریت ۳۶۵ روزه به مریخ» از جمله کتاب‌های دیگری است که از محمد علیزاده‌ثانی چاپ شده است. برخی از این کتاب‌ها را نشر آذینه و برخی دیگر را انتشارات نزهت چاپ کرده است.

پیشنهاد فردا

روایت اروپایی‌هایی که در ایران نمک‌گیر شدند

● شرق: مستند «نمک‌گیر»، روایت اروپاییانی که در ایران ساکن شده‌اند، سه‌شنبه در تهران نمایش داده می‌شود. این مجموعه چهارقسمتی، رواقع بخشی از یک سریال مستند به کارگردانی و تهیه‌کنندگی جواد کراچی، فیلم‌ساز ایرانی مقیم آلمان، است؛ درباره اروپایی‌هایی که در ایران ماندگار شده‌اند. در این چهار اپیزود، روایت خانم راین هیلد موسوی از کشور آلمان، آقای داتیل برن یک از کشور آلمان و خانم‌ها هو گوته ساعی و میریام گوتس از کشور فرانسه درباره زندگی و اقامت در ایران دیده می‌شود. در این برنامه که امروز ۱۲ آبان در کانون ادبیات ایران به نشانی میدان هفت‌تیر، خیابان مفتح، روبه‌روی ورزشگاه شیرودی، خیابان اردلان شماره ۲۵ برگزار می‌شود، جواد کراچی و علیرضا بهرامی پس از نمایش فیلم، سخن خواهند گفت. جواد کراچی علاوه بر ساخت فیلم سینمایی و مستند در ایران انتشار چند فیلم‌نامه «دیوار کوتاه شما»، «پاشا، پیروش و آتش» و «میدارم برو» - را در کارنامه دارد. او همچنین در ساخت فیلم‌های مستندی، با فیلم‌سازان ایرانی و خارجی در کسوت‌های مختلف همکاری‌هایی داشته است.

عسل عباسیان:
نهمین‌شب منتقدان و نویسندگان سینمای ایران، در شب بارانی دهم آبان ۹۴ در سالن کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، واقع در خیابان حجاب، در همان سالنی که روزی روزگاری فیلم‌های کیارستمی و نادری و بیضایی برای اولین‌بار در آن روی پرده می‌رفت، به دبیری کیوان کثیریان برگزار شد. در این مراسم که با حضور نویسندگان و منتقدان سینما و همین‌طور سینماگران برگزار شد، پس از ۳۷ سال برای نخستین‌بار بود که پوری بنایی روی سن می‌آمد. حجت‌الله ایوبی در این جشن در سخنانی گفت: «اگر بعد از مدیریت در سینما قرار باشد همچنان به ماجراجویی در این عرصه ادامه دهم، می‌توانم عضو انجمن منتقدان شوم و قول می‌دهم که از حالا برای یک‌سال، مطلب نوشته‌شده دارم».

در ابتدای مراسم شب منتقدان، کیوان کثیریان، رئیس انجمن منتقدان و دبیر جشن، در سخنانی کوتاه ضمن خوشامدگویی به حضاران در سالن گفت: «هربار که ما در کنار هم جمع می‌شویم بیشتر معتقد می‌شوم که شکل درست رابطه هنرمند و منتقد را می‌توان دید، گرچه هرسال با کمترین امکانات این جشن را برگزار می‌کنیم، اما لازم است از خانه سینما و بنیاد سینمایی فارابی که به برگزاری این جشن کمک کردند تشکر و این جشن را به ملکه رنجبر، بازیگر پیش‌گسوت، تقدیم‌کنم». سپس احمدرضا درویش و ناصر تقوایی روی سن آمدند تا از یک عمر فعالیت هارون یشاییانی قدرانی کنند. در بخش بهترین تدوین تندیس جشن به بهرام دهقانی برای فیلم‌های «من دیه‌گو مارادونا هستم» و «رخ دیوانه» اهدا شد که بهرام دهقانی هنگام دریافت جایزه با تشکر از بهرام توکلی و ابوالحسن داوودی جایزه خود را متعلق به همه تدوینگران سینمایی دانست. پس برجسته، لوریس چکناواریان، به کریستف رضایی برای فیلم «در دنیای تو ساعت چند است؟» اهدا شد. در بخش بهترین فیلم-برداری نیز همایون پایور برای فیلم «در دنیای تو ساعت چند است؟» دیلمل افتخار دریافت کرد و تندیس جشن به علیرضا زرین‌دست برای فیلم «مزارشریف» رسید.

در بخشی دیگر، جایزه خلاقیت و استعداد درخشان



گزارش نهمین شب منتقدان و نویسندگان سینمای ایران

شب بارانی منتقدان سینما

که به کارگردانان فیلم اول اهدا شد به وحید جلیلود برای فیلم «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت» رسید و بهتاش صناعی‌ها برای فیلم «احتمال باران اسیدی» دیلمل افتخار گرفت.

سپس دیگر مراسم، نکوداشتی برای سیروس الوند، کارگردان سینما، در نظر گرفته شده بود که فریدون جیرانی، علیرضا داوودنژاد، محسن سیف و جواد طوسی روی صحنه آمدند و درباره این کارگردان صحبت کردند. سپس سیروس الوند روی صحنه آمد و تندیس خود را از دست رفقای سالیانش گرفت. در ادامه مراسم، جایزه نقش مکمل زن توسط علیرضا خمسه به فرشته صدرعرفایی برای بازی در فیلم «کوچه بی‌نام» اهدا شد و سحر دولتشاهی برای فیلم «عصر یخبندان» دیلمل افتخار گرفت. جایزه نقش مکمل مرد هم به هومن سیدی برای بازی در فیلم «من دیه‌گو مارادونا هستم» رسید و پس از اهدای این جایزه، کلیبی درباره شهرک سینمایی غزالی که توسط علی حاتمی برای ساخت سریال «هزارستان» بنا شده بود بخش شد. پس از

گفت‌وگو با صفی یزدانیان

فیلم تماشاگرانش را به حرف‌زدن تشویق می‌کند

که بازتاب‌های بیشتری دارد اما در این مدت نظرات جالبی از سمت مردم درباره فیلم گرفتیم که حتی برخی از آنها حس یا تجربه شخصی‌شان بوده که بسیار جالب بود. به‌هرجهت با توجه به سابقه‌ای که در نوشتن مقاله‌های سینمایی دارم، تحسین دوستاتم در انجمن منتقدان برایم خوشایند بود.

اتفاقی که جایزه انجمن منتقدان را برایم بامعنی‌تر کرد این بود که نخستین نمایش این فیلم در فستیوال بوسان بود و در آن فستیوال نیز این فیلم نخستین جایزه‌اش را از منتقدان گرفت و تازه‌ترین جوایزش نیز مربوط به انجمن منتقدان سینمای ایران بود.

نقد‌ها و نظرات متفاوت
مورد تأیید درباره فیلم نوشته یا گفته شده است. تا به امروز نظر یا دیدگاهی خاص باعث شده توجه شما را در نگارش یا کارگردانی به ستمی برود که در اثر بعدی نمود پیدا کند؟ فکر نمی‌کنم هیچ نقدی به این شکل

پشت‌بوم

پرسش‌هایی از کریستیز دویی

حراجی در دفتر دویی برابر می‌شود؛ کم‌اینکه هفته آینده کریستیز نیویورک برپا خواهد شد که فروشی بالغ بر ۷۰۰ میلیون دلار برای آن تخمین زده می‌شود که در مقایسه با هفت‌میلیون دلار دو هفته پیش دویی خود گویای میزان سود کنونی کریستیز از خاورمیانه است؛ اما از آن‌سو به‌یقین هنر منطقه به‌خصوص هنر ایران، بر بلندی اعتبار کریستیز بار دیگر به دنیا معرفی شد و گاه ارتقای قیمتی را به خود دید که در اوایل این سده برای جامعه هنری منطقه یک رؤیا و یک خواب تلقی می‌شد؛ مهم‌تر تعامل و صوری است که کریستیز در سال‌های تحریم، قطع سوئیت و دشواری انتقال پول به ایران و ایرانی پیشه کرد و هرگز خللی در عرضه آثار هنرمندانمان به وجود نیاورد... ازهمین‌روست که در مطلع هر نقدی باید نکات فوق را از سر انصاف و قدرشناسی یادآوری کرد.

۱- در چند دوره اخیر تمرکز کریستیز دویی بر ارائه هنرمندان مدرنیست ایرانی است و تقریباً غیر از فرهاد مشیری، افشین پیرهاشمی و رکنی حناری‌زاده چشمش را بر هنر پیشگام معاصر ایران بسته است. به همین منوال چندی است درهای کریستیز بر هنرمندان جوان کشورمان هم بسته مانده است که هردوی چنین رویکردهایی در باب کشورهای عرب دیده نمی‌شود.

۲- در سه، چهار دوره اخیر چیدمان کاتالوگ به‌گونه‌ای است که آثار هنرمندان ایران پس از ارائه ۶۰ و گاه ۲۰ اثر روی میز حراج می‌رود و تقریباً در این مدت هیچ‌گاه نشده در حضور حداکثری جمعیت در سالن حراجی، آثار هنری کشورمان عرضه شوند؛ مانند همین دوره که آثار ایران در دو بخش انتهایی حراج از شماره ۶۹ تا ۹۳ و اثر در ۲۰ کار پابانی حراج، وقتی که صندلی‌های خالی بیشتر از خریداران به چشم می‌آیند ارائه شدند؛ حال آنکه امتیاز ارائه در بهترین و شلوغ‌ترین زمان سالن حراج به‌خصوص در اختیار هنرمندان لبنان، سوریه، عراق و مصر قرار می‌گیرد که تکرار مکرر این رفتار در چند حراج اخیر سؤال‌برانگیز است؛ جالب اینجاست که همین جانمایی سبب شده «یوسی پیل‌کائن» کمتر کارهای ایرانیان را چکش بزند، حال آنکه

به‌دلیل بازی در نمایش «هم‌هوایی» به پاریس سفر کرده بود و جهانگیر کوثری، پسر او، جایزه در دریافت کرد. در این بخش همچنین مهتاب کرامتی برای بازی در «عصر یخبندان» دیلمل افتخار گرفت. تندیس بهترین بازیگر نقش اول زن، توسط پوری بنایی به باران کوثری داده شد و این نخستین‌بار بود که پوری بنایی پس از ۳۷ سال روی سن می‌آمد. او که به‌شدت متأثر بود و بغضش روی سن شکسته شد، گفت: «خوشحالم که بعد از ۳۷ سال بین هنرمندان هستم و متأسفم که نتوانستم در این سال‌ها در خدمت شما باشم». جایزه بعدی، جایزه خلاقیت در بازیگری بود که با حضور زری خوششکام، رضا کیانیان و جواد مجابی به فرهاد اصلانی برای بازی در فیلم‌های «کوچه بی‌نام»، «عصر یخبندان» و «دوران عاشقی» اهدا شد.

در ادامه مراسم از امید روحانی به‌عنوان منتقد سینما نیز تقدیر شد که در این بخش اصغر فرهادی و سعید عقیقی برای اهدای تندیس‌س روی صحنه آمدند. اصغر فرهادی در سخنانی کوتاه درباره این منتقد و نویسنده گفت: «جدا از اینکه امید روحانی منتقد عمیق و بااداشی است، یکی از بی‌کیف‌ترین آدم‌هایی است که می‌شناسم و خوشحالم که امشب از او تقدیر می‌شود». در انتهای مراسم، جایزه بهترین فیلم‌نامه‌نویسی به صفی یزدانیان برای فیلم «در دنیای تو ساعت چند است؟» رسید.

تندیس بهترین کارگردانی نیز به ابوالحسن داوودی برای ساخت فیلم «رخ دیوانه» اهدا شد. درنهایت انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران با اعلام هفت نامزد برای عنوان بهترین فیلم، لوح سپاس و تندیس خود را به علی مصفا و صفی یزدانیان برای ساخت فیلم «در دنیای تو ساعت چند است؟» اهدا کرد. هوشنگ گلمکانی، منتقد سینما و سردبیر ماهنامه سینمایی «فیلم» که برای اعلام این جایزه روی صحنه آمده بود، گفت: «علی عباسی امشب اینجاست و نگرانی او بابت سوختن فیلم‌هایش مرا یاد تورناوره «سینماپارادیزو» می‌اندازد». سپس تندیس این بخش در غیاب علی مصفا به صفی یزدانیان داده شد و سینماگران جشن باشکوه نویسندگان سینمایی را زیر بارش بی‌وقفه باران، با لبخند رضایت از برگزاری مراسمی در خور شان سینمای ایران ترک کردند.

گفت‌وگو با صفی یزدانیان

گفت‌وگو با صفی یزدانیان

گفت‌وگو با صفی یزدانیان

به نوشتن تشویق می‌کند و از این جهت فکر می‌کنم فیلم زنده‌ای است و کسی از کنارش بی‌تفاوت نمی‌گذرد. تعداد زیادی از سینمایی‌نویسان که در این مدت درباره فیلم نوشتند را نمی‌شناسم، خواندن متن‌ها و نقدها حسی شبیه خواندن نامه‌هایی است که از سمت مردم و مخاطبان به دستم می‌رسد. فکر می‌کنم‌گرفتن جایزه جرئت حرف‌زدن به کسانی که می‌خواهند درباره فیلم حرف بزنند را می‌دهد. خوشحالم که بعد از اکران این فیلم در جشنواره تابه‌امروز فضایی برای فیلم به وجود آمد که مطبوعات و مردم بیش از پیش به آن توجه کردند و جایزه انجمن منتقدان نتیجه این اتفاق بود و جای خوشحالی است که از سینمایی‌نویسان این جایزه را دریافت کردم.

آقای یزدانیان بسیاری از منتقدان و مردم منتظر اثر بعدی شما هستند. آیا ساخت فیلم بعدی به‌همین‌زودی آغاز خواهد شد یا خیر؟
بارها به این موضوع اشاره کرده‌ام که «در دنیای تو ساعت چند است؟» را با کمک دوستانی که کنار بودند با فراغ بال ساختم که محال است بار دیگر در چنین شرایطی فیلم بسازم. قطعاً علاقه‌مندم که فیلم بعدی را به‌همین‌زودی بسازم و این روزها خیلی جدی مشغول نوشتن هستم و امیدوارم که شرایط ساخت فیلم خیلی زود فراهم شود.

پشت‌بوم

پشت‌بوم

پرفرومنس واکت بسپار حرفه‌ای او تأثیری مستقیم بر فروش و ارتقای قیمت آثار دارد.
۳- گفته می‌شود خریداران عرب دیگر رغبتی به خرید آثار هنری ایران نشان نمی‌دهند که البته در این‌باره می‌توان گزاره‌های متعددی را متصور دانست، اما آمار فروش کریستیزی می‌گوید گویا خریداران عرب اقبال‌شایان‌توجهی به آثار هنرمندان عرب هم نشان نمی‌دهند؛ آمار همین دوره می‌گوید عرب‌ها برای ۶۱ اثر هم‌زمان‌ان خود فقط حدود چهارمیلیون دلار پرداخته‌اند؛ بنابراین این پرسش بدیهی پیش می‌آید که آیا کریستیز دویی در آگاهی‌بخشی و تهییج شیوخ متمول منطقه، کم‌کاری و تعلل می‌کند؟ شاید عدم فروش ۲۳ اثر در همین دوره نوزدهم کریستیز دویی (شامل ۲۶ اثر عرب و هفت اثر ایران) را بتوان در همین راستا ریزایی کرد. و دست‌آخر اینکه نویسنده از کاستی‌های متعدد هنر ایران آگاه است و بارها به آنها اعتراض هم کرده، حتی شاید این کاستی‌ها در زمره گله‌ای‌ها به‌ناگفته کریستیز نیز قلمداد شود، مانند اینکه؛ تحریم‌ها و پروژه ایران‌هراسی مارکت هنرمان را تقلیل داده، در نظر رسانه‌ها هر حراجی فردی در تهران ادعای تقلبی‌بودن فلان اثر را رسانه‌ای می‌کند حال آنکه عرب‌ها با انبوه هنرمندان فقید چنین حاشیه‌هایی ندارند، هنرمندانمان فاقد کتاب و کاتالوگ ارزنده‌اند، تبلیغات در رسانه‌های خارجی‌مان صفر است حتی در مملکت خودمان فاقد رسانه حرفه‌ای و دوزبانه در عرصه تجسمی هستیم... اما باوجوداین، هنر ایران کیفی‌ترین و پول‌سازترین هنر خاورمیانه است و بجاست کریستیز به‌عنوان معتبرترین برند فروش آثار هنری منطقه با یک خانه‌تکانی ذهنی، روزگار نوین پیش‌روی ایران را در نظر فضای وسیع‌تری برای هنر ایران فراهم آورد. البته چنین مهمی پیش‌تر مستلزم این باور عمومی میان خود ماست که فروش یک زیال هنر ایران در آن‌سوی مرزها برابر با چندصد ریال در داخل ایران اهمیت دارد و همه برای دست‌یابیدن به بازار بین‌المللی بانبات و حفظ منافع ملی باید عزمی جزم و حتی گذشت و فداکاری از خود بروز دهند.

چهره روز

در جشنواره فیلم «کرالا» جایزه هندی‌ها به مهرجویی



● **شرق:**
دربوش مهرجویی در جشنواره بین‌المللی فیلم «کرالا» در کشور هند با اعطای جایزه دستاورد سینمایی تقدیر می‌شود. مسئولان برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم «کرالا» که امسال بیستمین دوره خود را از تاریخ ۲۰ دسامبر کلید خواهد زد، از اعطای جایزه دستاورد سینمایی این رویداد به دربوش مهرجویی کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس ایرانی خبر دادند. جشنواره فیلم «کرالا» توسط آکادمی فیلم ایالت کرالا در سال ۱۹۹۶ بنیان گذاشته شده و به‌عنوان یکی از رویدادهای مهم فرهنگی هند به تولیدات سینمایی آسیا، آفریقا و آمریکای‌لاتین اختصاص دارد. پیش‌تر و در سال ۲۰۰۶ اصغر فرهادی برای فیلم «چهارشنبه‌سوری» جایزه‌بهترین کارگردانی و در سال ۲۰۰۷ فیلم «۴۰۱» ساخته مانیا اکبری جایزه قرقاول طلایی بهترین فیلم و همچنین جایزه بهترین کارگردانی را از این رویداد سینمایی کسب کرده‌اند. اعطای جایزه قرقاول طلایی بهترین فیلم به «پرویز» به کارگردانی مجید برگرد در سال ۲۰۱۳ و جایزه قرقاول نقره‌ای بهترین کارگردانی به حسین شهبابی برای فیلم «روز روشن» از دیگر افتخارات سینمای ایران در این رویداد سینمایی محسوب می‌شود.

زیر آسمان فیروزهای

زیر آسمان فیروزهای

«کلاه‌قرمزی» نوروز ۹۵ نمی‌آید



● **شرق:**
در نوروز ۹۵ سال کلاه‌قرمزی از تلویزیون پخش نخواهد شد. این خبری است که ایرج طهماسب آن را رسانه‌ای کرد. او در گفت‌وگو با ایسنا در پاسخ به اینکه آیا «کلاه‌قرمزی ۹۵» را در حال ساخت دارد؟ گفت: خیر! امسال به دلیل ساخت سینمایی «کلاه‌قرمزی و دوستان»، امکان ساخت این مجموعه را نداشتیم و در جلسه‌ای که با مدیران صداوسیما داشتم به دوستان پیشنهاد دادم، حالا که شش‌ماه فرصت تا پایان سال هست؛ بودجه این برنامه را در اختیار دیگر برنامه‌سازان قرار دهند تا در ایام عیدنوروز، تماشاگر برنامه‌ای جدید و جذاب برای کودکان باشیم. طهماسب همچنین مطرح کرد: بنده هم قول می‌دهم که مردم در سینما شاهد فیلم سینمایی خوبی برای کودکان باشند، به امید دیدار برنامه‌های سراسر کشور با «کلاه‌قرمزی و دوستان». او جزئیات بیشتر درباره فیلم سینمایی «کلاه‌قرمزی و دوستان» را به بعد موکول کرد.

درگذشت فرانک دوانلو شاهنامه‌پژوه

● **فرانک دوانلو،** شاهنامه‌پژوه، در خانه خود در شهریار درگذشت. به گزارش ایسنا، از او آثار بسیاری از جمله «پارسی‌نگاشته شاهنامه فردوسی»، «رویدادهای تاریخ‌دار شاهنامه فردوسی»، «فرهنگ نام‌های ایرانی»، «راهنما و نمودار شاهنامه فردوسی- هم‌دوره‌ای کسان در دوره پیشدادیان و کیانیان»، «بانوان شاهنامه»، «کات‌های زرتشت» و رمان «آن روزها رفتند» به چاپ رسیده است. سیایش آریا، فعال فرهنگی، با اعلام خبر درگذشت فرانک دوانلو گفته است: این بانوی شاهنامه‌پژوه در درازای زندگی خود همواره پشتیبان جوانان بود و از هیچ کوششی در این راه دریغ نمی‌ورزید و با سازمان‌های مردم‌نهاد همکاری‌های فراوانی داشت. بانو دوانلو در زمینه جشن‌های ایرانی نیز پژوهش‌هایی را به سرانجام رسانیده بود که جستارهای جشن مهرگان، جشن تیرگان و اسپندگان، نمونه‌ای از آنها به‌شمار می‌آید. او در زمینه ویراستاری نیز کار کرده بود. از دیگر فعالیت‌های فرهنگی وی کارهای اجرایی بود که در اواخر دهه ۷۰ با بازدیدهای میدانی از پادمان‌های هخامنشی پارسه (تخت‌جمشید)، نقش رستم و پاسارگاد در اجرای چاپ چندین کتاب در این زمینه همکاری داشت.